

UNIT 1

1. Sth be practiced: آموختن
2. Considerable: قابل توجه، چشمگیر
3. Confusion: سردرگمی
4. Literature: متون، نوشته‌ها، ادبیات
5. Regarding: درباره، راجع به
6. Vary: متفاوت بودن
7. Perspective: دیدگاه
8. Context: زمینه، مفهوم
9. Pharmacological: وابسته به داروشناسی/دارویی
10. Therapeutic: درمانی
11. Geo-political: وابسته به جغرافیای سیاسی
12. Monograph: مقاله یا نوشته‌ی تخصصی
13. Application: کاربرد
14. Body: مجموعه
15. Be inherited: به ارث برده شده
16. Literary: ادبی
17. Lingua franca: زبان میانجی، زبان ارتباطی
18. Expounded: توضیح داده شده، بسط داده شده
19. Assimilate: جذب شدن، وفق یافتن
20. Exhaustively: به طور کامل، به طور جامع
21. Subsequently: سپس، بعداً
22. Codify: منظم کردن، قانون‌مند کردن
23. Physician: پزشک
24. Convert: تبدیل کردن
25. Flourishing: شکوفا، در حال پیشرفت
26. Masses: توده مردم
27. Domineering: سلطه‌جو، مستبد
28. Vast: وسیع، پهناور
29. Stretches: قسمت‌ها، بخش‌ها، وسعت
30. Adjoining: متصل، همجوار

31. Span: فاصله، گستره
32. Measurable: قابل اندازه‌گیری، محسوس
33. Extant: موجود، باقی‌مانده
34. Civilized: متجدن
35. Be in grip of sth: گرفتار چیزی بودن
36. Dark ages: قرون وسطی (عصرهای تاریک تاریخی)
37. To set sth: تأسیس کردن، برپا کردن
38. Hygiene: بهداشت
39. To hold sway: تسلط داشتن، قدرت داشتن
40. Decadence: زوال، انحطاط
41. Set in: شروع شدن (اتفاق ناخوشایند)
42. Concomitant: همزمان، مقارن
43. Political decline: رکود سیاسی
44. Advent: ظهور، پیدایش، آمدن
45. Emerging: در حال ظهور، نوظهور
46. Era: دوره، عصر
47. Found: تأسیس کردن، بنا نهادن
48. Settle: ساکن شدن، اقامت گزیدن
49. Hence: بنابراین، از این رو
50. Acquire: به دست آوردن، کسب کردن
51. Be marked by sth: مشخصه‌ی چیزی بودن
52. Ruins: ویرانه‌ها، خرابه‌ها
53. Somewhere be taken by sb: جایی تحت کنترل کسی قرار گرفتن
54. Caliphate: خلافت
55. Take/seek refuge: پناه بردن
56. Refuge: پناهگاه
57. Capture: اسیر کردن، گرفتن
58. Latter: دومی، اخیر
59. Nickname: لقب، اسم مستعار
60. Lead to: منجر شدن به
61. Flee: گریختن، فرار کردن
62. Patronage: حمایت، پشتیبانی

63. Boost: افزایش، بهبود
64. Academic: علمی، آموزشی
65. Predominant: غالب، مسلط، برجسته
66. Drive: نیرو، انگیزه
67. Learned (adj.): دانشمند، فرهیخته
68. Blossom: شکوفا شدن، رشد کردن
69. Vizier: وزیر
70. Fable: افسانه، داستان کوتاه
71. Present: ارائه کردن، نشان دادن
72. Invasion: تهاجم
73. Well established: معتبر، جا افتاده، شناخته شده
74. Renowned: معروف، مشهور
75. Intermingle: مخلوط شدن، درآمیختن
76. Acclaimed: تحسین شده، مورد ستایش
77. State-of-the-art: پیشرفته، به روز
78. Thrive: پیشرفت کردن، رشد کردن
79. Contemporary: هم دوره، معاصر
80. Be modeled after: الگوبرداری شدن، شبیه چیزی ساخته شدن
81. Hippocratic tradition: روش بقراطی، سنت بقراط
82. Mix-up: درهم ریختگی، آشفتگی، ترکیب
83. Superstition: خرافات
84. Ritual: مراسم مذهبی، آئین
85. Nonetheless: با این حال، با وجود این
86. Casting: ایجاد کردن، سبب شدن
87. Everlasting: ابدی، همیشگی
88. Imprint: اثر ماندگار، تأثیر
89. Holistic: کلی نگر
90. Restricted: محدود شده
91. Curative: درمانی، شفابخش
92. Scholar: پژوهشگر
93. Unanimous: هم رای، متفق القول
94. Anonymous: بی نام، ناشناس

95. Incorporate: وارد کردن، افزودن
96. Contribute to: کمک کردن به
97. Adhere to sth: پایبند بودن به، رعایت کردن
98. Progress: پیشرفت
99. Contribution: مشارکت، سهم
100. Authorities: مقامات
101. Educator: معلم، آموزگار
102. Deaf: کر
103. Recession: رکود اقتصادی
104. Assimilate: جذب شدن، وفق یافتن
105. Measures (n.): اقدامات
106. Revolutionize: دگرگون کردن، متحول کردن
107. Civil strife: جنگ داخلی، نزاع مدنی
108. Head toward: به سمت چیزی حرکت کردن
109. Carry out: انجام دادن
110. Herbs: گیاهان
111. Properties: ویژگی‌ها، خواص
112. Contextual: وابسته به زمینه، مربوط به موقعیت
113. Delirious: زیان‌آور، مضر
114. Clue: سرنخ، نشانه
115. Concept: مفهوم
116. In the interest of sth: ... به خاطر، برای
117. Dispose of sth: از شر چیزی خلاص شدن
118. Supplies: تجهیزات
119. Convenient: راحت، مناسب
120. Interest: نفع، سود
121. Serenity: آرامش
122. Contextualize: در متن و زمینه قرار دادن
123. Context: زمینه، بستر
124. Contextualization: زمینه‌سازی، قرار دادن در موقعیت
125. Contextual: وابسته به زمینه، موقعیتی
126. Hygiene: بهداشت

127. Hygienist: متخصص بهداشت
128. Hygienic: بهداشتی
129. Hygienically: به طور بهداشتی
130. Emerge: ظاهر شدن، پدیدار شدن
131. Emergency: وضعیت اضطراری
132. Emergence: پیداری، ظهور
133. Emergent: نوظهور، تازه تاسیس
134. Emerging: در حال ظهور، نوظهور
135. Predominate: غالب شدن، مسلط شدن
136. Predominance: سلطه، چیرگی
137. Predominant: غالب، چیره
138. Predominantly: عمدتاً
139. Institutional place: مرکز یا موسسه
140. Antiquity: عهد عتیق، دوران باستان
141. Sanatoria: آسایشگاه‌ها
142. Travel lodge: مسافرخانه
143. Temple: معبد
144. Be attended to sb: خدمت کسی کردن
145. Attendant: مراقب
146. Priest: کشیش، روحانی
147. Sacrifice (n. and v): قربانی (کردن)
148. Divine intervention: مداخله الهی
149. Be adopted by sb: اتخاذ شدن توسط کسی
150. Be credited to: نسبت داده شدن به
151. Leprosaria: leprosarium (جایی برای بیماران جذامی) جمع واژه
152. Segregation: جداسازی
153. Leper: جذامی

Further reading

154. Notable: برجسته، قابل توجه
155. Astute: زیرک، دقیق
156. Be skilled: ماهر بودن

157. Encyclopedia: دایره المعارف
158. Encyclopedic (adj): جامع، همه فن حریف
159. Author: نویسنده
160. Insight: بینش، درک
161. Preserve: حفظ کردن، نگهداری کردن
162. Rediscovery: کشف دوباره
163. Uncover: آشکار کردن، کشف کردن
164. Pulmonary circulation: چرخه خون رسانی ریوی
165. Take place: رخ دادن
166. Hitherto: تا کنون، تا امروز
167. Succinctly: موجز، مختصر
168. Repudiate: رد کردن
169. Alveoli: حبابچه alveolus جمع واژه
170. Capillary: مویرگ
171. Instruction: آموزش
172. Subcontinent: شبه قاره
173. Banner: پرچم
174. For the sake of something: به خاطر چیزی، برای
175. Dynasty: سلسله، دودمان
176. Epoch: عصر، دوره، دوران
177. Pinnacle: اوج، قله
178. Ultimately: نهایتاً، در نهایت
179. Summon: فرا خواندن، احضار کردن
180. Court: دادگاه، بارگاه
181. Fall ill: مریض شدن
182. Head (v.): ریاست کردن، مدیریت کردن
183. Reign: سلطنت کردن
184. Celebrated: مشهور، معروف
185. Ophthalmologist: چشم پزشک
186. Treatise: رساله، مقاله علمی
187. Sarcasm: طعنه، نیش
188. Sarcastic: نیش دار، کنایه آمیز

189. Temperament: خلق و خو، طبع
190. Nonetheless: با این وجود
191. Command: سزاوار بودن، شایسته بودن
192. Expertise: تخصص، مهارت ویژه
193. Masterly: استادانه
194. Lexicon: واژه‌نامه، دیکشنری
195. Express: بیان کردن
196. Terminology: اصطلاحات (علمی و تخصصی)
197. Supersede: جایگزین شدن، جانشین شدن
198. Original: اصلی، اولیه
199. Hail from: اهل جایی بودن، زاده جایی بودن
200. The credit of sth going to sb: نسبت دادن موفقیت یا کاری به کسی
201. Extensive: گسترده، وسیع
202. Fascinating: جالب، شگفت‌انگیز
203. Elaborated: با جزئیات شرح داده شده
204. Predecessor: پیشین، قبلی
205. Cataract: آب مروارید (چشم)

UNIT 2

1. Wean off: ترک کردن تدریجی (عادت یا ماده‌ای)
2. Clot: لخته (مثلاً لخته خون)
3. Withdrawal symptoms: علائم ترک (تأثیرات جسمی یا روانی ناخوشایند پس از قطع مصرف ماده اعتیادآور)
4. Repercussions (negative repercussion): عواقب، پیامدها
5. A fix: دوز مصرفی ثابت و مکرر (نیاز معمول به مواد یا چیزی)
6. Self-help group: گروه خودیار، گروه حمایت فردی
7. Forum: مجمع، اجتماع
8. Discussion boards: تابلو گفت‌وگو (بوردهای اینترنتی برای بحث)
9. Case study: مطالعه موردی، بررسی موردی
10. Addiction: اعتیاد
11. Evidence: مدرک، شواهد
12. Suffer: رنج بردن، متحمل شدن
13. Isolation: انزوا
14. Fatigue: خستگی، فرسودگی
15. Symptoms: علائم
16. Tense: عصبی، مضطرب
17. Issue: مشکل، موضوع
18. Recognize: تشخیص دادن، شناسایی کردن
19. Officially: به طور رسمی
20. Leading: برجسته، مهم
21. Psychiatrist: روان‌پزشک
22. Respected: مورد احترام
23. Include: شامل بودن
24. Statistical: آماری
25. Diagnostic: تشخیصی
26. Manual: راهنما، کتاب راهنما
27. Components: اجزاء، عوامل
28. Excessive: بیش از حد، افراطی
29. Associated: مرتبط، وابسته
30. Loss: فقدان

31. Neglect: غفلت کردن، بی‌توجهی
32. Basic drives: نیازهای پایه
33. Inaccessible: غیرقابل دسترسی
34. Software: نرم‌افزار
35. Argue: بحث و جدل کردن
36. Case study: مطالعه موردی (قبلاً معنی شده)
37. Broadband: اینترنت پرسرعت، باند پهن
38. Remain: باقی ماندن
39. Murder: قتل، کشتن
40. Serious: جدی، مهم
41. Estimate: تخمین زدن
42. Targeting: هدف‌گیری
43. Average: میانگین
44. Pupil: دانش‌آموز
45. Require: نیاز داشتن
46. Counselling: مشاوره
47. Adolescent: نوجوان
48. Extent: وسعت، دامنه
49. Tend: تمایل داشتن
50. Surf: گشت‌وگذار کردن (در اینترنت)
51. Relapse: عود بیماری، بازگشت بیماری
52. Observer: ناظر
53. Tremendous: عظیم، بسیار زیاد
54. Specific: خاص، ویژه
55. Significant: مهم
56. Exhaust: مصرف کردن کامل، تمام کردن
57. Occupy: مشغول کردن، اشغال کردن
58. Rage: خشم و پرخاشگری
59. Insist: اصرار کردن
60. Admit: اعتراف کردن
61. Groceries: خواربار، مواد غذایی
62. Sprung up (spring up): ناگهان ظاهر شدن، رشد سریع کردن

63. Attempt: تلاش کردن
64. Turn: عوض کردن، تغییر وضعیت دادن
65. Apparently: ظاهراً
66. Irony: طعنه، کنایه
67. Anonymous: گمنام، ناشناس
68. Diverse: متنوع
69. Additionally: علاوه بر این
70. Beat: شکست دادن
71. Recognize: تشخیص دادن، به رسمیت شناختن
72. Example: مثال
73. Turn into: تبدیل شدن به
74. Turn to sb/sth: مراجعه کردن به کسی/چیزی برای کمک یا حمایت
75. Target: هدف
76. Alarm (n): هشدار، زنگ خطر
77. Exhaust (v): مصرف کردن کامل، فرسودن
78. Resistant: مقاوم
79. Significant other: شریک عاطفی
80. Occupy: پر کردن، اشغال کردن
81. Admit: اعتراف کردن
82. Couldn't have cared less: اصلاً برایم مهم نبود
83. Insist: اصرار کردن
84. Beat (v): شکست دادن، غلبه کردن بر
85. Imply: رساندن منظور، دلالت کردن
86. Officially-produced: رسماً تولید شده
87. Clinical disorder: اختلال بالینی
88. Devised: ساخته شده، ابداع شده
89. Constantly: دائماً
90. Implied: نتیجه‌گیری شده، مستفاد
91. Reasonably: معقولانه
92. Inevitably: ناگزیر، اجتناب‌ناپذیر
93. Subjective: ذهنی
94. Phenomenon: پدیده

95. Severity: شدت، سختی
96. Dropout: کسی که ترک تحصیل کرده
97. Strict: سخت‌گیرانه
98. Regulation: مقررات، قوانین
99. Resume: ادامه دادن، از سر گرفتن
100. Locate: پیدا کردن، تشخیص دادن
101. Content: محتوا
102. Crucial: حیاتی، بسیار مهم
103. Dependence: وابستگی
104. Orderly: منظم، مرتب
105. Devote: اختصاص دادن
106. Crucial: مهم، حیاتی (تکراری)
107. Straightforward: ساده، سراسر است
108. Moderate: ملایم، کنترل‌شده
109. Wise: عاقل، خردمند
110. Deprive: محروم کردن
111. Claim: ادعا کردن
112. Purpose: هدف، مقصود
113. Exclusively: منحصراً
114. Provided that: به شرطی که
115. Disclose: فاش کردن، آشکار کردن
116. Gambling: قمار کردن
117. Get rid of sth: خلاص شدن از چیزی
118. Despondency: افسردگی، ناامیدی
119. Announce: اعلام کردن
120. Appear: ظاهر شدن، دیده شدن
121. Withdrawal: ترک، کناره‌گیری
122. Gradually: به تدریج
123. Cornea: قرنیه چشم
124. Wholeheartedly: از صمیم قلب
125. Urgent: فوری
126. Far-off: دور، دورافتاده

127. Abortion (child abortion): سقط جنین
128. Persecution: آزار و اذیت
129. Innumerable: بی شمار
130. Correspondent: خبرنگار
131. Sued: تحت پیگرد قانونی قرار گرفتن
132. Initially: در ابتدا
133. Bloodstream: جریان خون
134. Temptation: وسوسه
135. Revise (revising a text): بازبینی کردن، تجدیدنظر کردن
136. Merchandise: کالا، اجناس برای خرید و فروش
137. Comfort: راحتی
138. Fierce (fierce competition): شدید، پرقابیت
139. Obtain: به دست آوردن
140. Indicator: شاخص، نشان دهنده
141. Preoccupied: گرفتار، مشغول
142. Cut down: کاهش دادن
143. Moody (feel moody): بدخلق، دارای نوسان خلق
144. Intend: قصد داشتن
145. Jeopardized: به خطر انداختن
146. Extent: میزان، حد
147. Conceal: پنهان کردن
148. Escape: فرار کردن
149. Guilt: احساس گناه

Further reading

150. Eat, sleep and breathe: به شدت مشغول و وابسته بودن به چیزی
151. Survey: بررسی، مطالعه
152. Youngsters: نوجوانان
153. Accompany: همراه بودن
154. Ubiquitous: همه جا حاضر، فراگیر
155. Flick: خیلی سریع حرکت دادن، تکان دادن
156. Flip (2nd paragraph): سریع عوض کردن کانال های تلویزیون

157. Reluctant: بی میل، ناخواسته
158. Commit: متعهد شدن
159. Keep up with: همگام شدن با، پا به پای چیزی پیش رفتن
160. Simultaneous: همزمان
161. Fuel: تحریک کردن، برانگیختن
162. Concern: نگرانی
163. Sedentary: کم‌تحرك
164. Calm: آرام، آرام کردن
165. Panic: وحشت ناگهانی
166. Means: ابزار، وسیله
167. Revival: احیا، زنده شدن مجدد
168. Driven: وادار شده، ناشی از
169. Soaps: سریال‌های طولانی تلویزیونی
170. Be bitten by the ... bug: به چیزی علاقه‌مند شدن ناگهانی
171. Fall-off: کاهش، افت
172. At the expense of: به قیمت، به بهای
173. Pastime: سرگرمی
174. Average (v.): میانگین گرفتن
175. Across: در سرتاسر
176. Woven: بافته شده، ترکیب شده
177. Anecdotal: مبتنی بر داستان‌های فردی
178. Conceive: درک کردن، فهمیدن
179. Puzzled: گیج، متحیر
180. Boom: رشد ناگهانی، افزایش سریع
181. Overtaken: سبقت گرفته، پیشی گرفته
182. Sidestep: دوری کردن، اجتناب کردن
183. Safeguard: حفاظت، تدبیر امنیتی
184. Inquiry: تحقیق، بررسی
185. Mounting: رو به افزایش
186. Thanks to: به لطف
187. Offset: خنثی کردن، جبران کردن با نیروی متضاد

UNIT 3

1. conventional: متداول، سنتی
2. Practitioner: پزشک، متخصص
3. Ground in: بر پایه‌ی، مبتنی بر
4. Orient: گرایش داشتن، به چیزی سمت‌گیری کردن
5. Patient centered # doctors centered: مراقبت متمرکز بر بیمار / پزشک محور
6. Biochemical individuality: ویژگی زیستی و شیمیایی منحصر به فرد هر فرد
7. Holistic: کل‌نگر، جامع
8. Specialized: تخصصی
9. Cost-effective: مقرون به صرفه
10. Expensive: گران
11. Underlying (hidden): پنهان
12. Underlying (basic): اساسی، اصلی
13. Detection: تشخیص
14. High-touch: نیازمند تماس فیزیکی مستقیم
15. High-tech: نیازمند تکنولوژی بالا
16. Detox (detoxification): درمان یا ترک اعتیاد
17. Spinal manipulation: درمان با حرکات ماساژ و جابجایی ستون فقرات
18. Counsel: مشاوره دادن، راهنمایی کردن
19. Radiated: پخش شدن، منتشر شدن
20. Isolated: جدا، منحصر به فرد
21. Chronic: مزمن، طولانی‌مدت
22. Despite: علیرغم، با وجود
23. Big-gun: قدرتمند، نیرومند
24. Psoriatic arthritis: آرتریت پسوریاتیک (بیماری التهابی پوست و مفاصل)
25. Inflammation: التهاب
26. Constant: مداوم، پایدار
27. Swelling: ورم کردن، باد کردن
28. Walk with a limp: لنگ لنگان راه رفتن
29. Unsteadily: به طور نامتعادل، ناپایدار
30. Induced: باعث‌شده، ایجاد شده

31. Big-toe joint: مفصل شست پا
32. Awake: بیدار شدن
33. Balled up into: جمع شدن شبیه توپ، گلوله شدن
34. Fist: مشت
35. Clench: منقبض کردن (عضله/دست)، مشت کردن
36. Unclench: باز کردن دست مشت شده، ریلکس شدن
37. Submerge: زیر آب بردن
38. Stiffness: سفتی، خشکی
39. May sound: ممکن است به نظر برسد
40. Minor: جزئی، کم اهمیت
41. Supersede: جایگزین شدن، جانشین شدن
42. Nor: همچنین نه (برای بیان دو جمله منفی)
43. At the time: در آن زمان
44. Putting in: صرف کردن (وقت یا انرژی)
45. Chief: رئیس، اصلی
46. Renowned: مشهور، معروف
47. Vascular surgery: جراحی عروق
48. Incapacitated: ناتوان، ضعیف
49. Make rounds: به بیماران سر زدن در بخش
50. Retirement: بازنشستگی
51. Found: تاسیس کردن
52. Leading expert: متخصص مشهور، کارشناس برجسته
53. Recommendation: پیشنهاد
54. Detailed: کامل، جامع
55. Challenges: مشکلات، چالش‌ها
56. Frankly: صادقانه، رک
57. A battery of: مجموعه‌ای از، یک سری
58. Overall: به طور کلی، عمدتاً
59. Underlying: اساسی، بنیادی
60. Gut: روده
61. Yeast over growth: رشد زیاد مخمر
62. Leaky gut: روده نشت‌دهنده

63. Gluten: (پروتئین گندم و غلات)
64. Lining: روکش، دیواره
65. Leak: نشت، تراوش کردن
66. Wheat: گندم
67. Grain: غلات
68. Generate: تولید کردن، ایجاد کردن
69. Went away: ناپدید شدن، رفع شدن
70. Unprecedented: بی سابقه
71. Notably: به طور ویژه، مخصوصاً
72. Characteristic: ویژگی، صفت مشخصه
73. Claim to fame: دلیل شهرت
74. As opposed to: برخلاف، به جای
75. Big picture: دید کلی، کلیت موضوع
76. Folks: مردم عادی
77. Lifestyle: سبک زندگی
78. Systems-oriented science-based approach: رویکرد علمی مبتنی بر سیستم
79. Exposure: قرار گرفتن در معرض
80. Hyper specialized: فوق تخصصی
81. Over-booked: بیش از ظرفیت رزرو شده
82. Inclination: تمایل، میل
83. Adopt: پذیرفتن، اتخاذ کردن
84. Suppressing: سرکوب کردن
85. Digging deep: جستجوی عمیق، کندوکاو کردن
86. As opposed to: به جای، در مقایسه با
87. Seek: جستجو کردن، دنبال چیزی بودن
88. Typical: معمولی، رایج
89. Works wonders / does wonders: معجزه کردن، اثر شگفت‌انگیز داشتن
90. Mindset: طرز فکر، ذهنیت
91. Infectious: مسری، واگیردار
92. Adept at: ماهر در
93. Handling: مدیریت، سر و کار داشتن
94. Trauma: آسیب جدی

95. Informed: مطلع، آگاه
96. Fall short: کم آوردن، به هدف نرسیدن
97. Persistent: مداوم
98. Full-scale: کامل، جامع
99. Brief: مختصر، کوتاه
100. Respectively: به ترتیب
101. Pharmacology: داروشناسی
102. Questionnaire: پرسشنامه
103. Exacerbate: تشدید کردن، بدتر کردن
104. Mere: تنها، صرفاً
105. Triggers: محرک‌ها
106. Notorious: بدنام
107. Unprecedented: بی‌سابقه
108. Informed: مطلع
109. Condition: شرایط، وضعیت
110. Conservative: سنت‌گرا، محافظه‌کار
111. Frustration: ناامیدی
112. Adoption: فرزندخواندگی
113. Inclination: گرایش، تمایل
114. Flourish: شکوفا شدن
115. Deteriorate: بدتر شدن
116. Adept: ماهر
117. Characteristic: ویژگی
118. Deadly: کشنده
119. Over-the-counter: بدون نسخه
120. Psychoactive: روان‌گردان
121. Dig (n): حفاری
122. Suppressant: سرکوب‌کننده
123. Suppression: سرکوب
124. Extensive: وسیع
125. Brainstorm: طوفان ذهنی
126. Enroll: نام‌نویسی کردن

127. Weed: علف هرز
128. Dig (v): حفاری کردن
129. Uproot: از ریشه کنیدن
130. Contain: شامل بودن
131. Intake: مصرف
132. Ultimately: در نهایت
133. Applicant: داوطلب

Further reading

134. Accredited: اعتبار دادن
135. Osteopath: متخصص استخوان درمانی
136. Chiropractor: متخصص درمان مفاصل و ستون فقرات
137. Hypothetical: فرضی
138. Heartburn: سوزش سر دل
139. Fare: پیش رفتن
140. Versus: در مقابل
141. Curriculum: برنامه آموزشی
142. Confront: روبرو شدن با
143. Pharmaceutical: داروسازی، مربوط به دارو
144. Stains: گروهی از داروها برای کاهش کلسترول
145. NSAIDs: داروهای ضدالتهاب غیراستروئیدی
146. Relieve: تسکین دادن
147. Ulcer: زخم
148. Stroke: سکته
149. Impending: قریب الوقوع
150. Impede: مانع شدن
151. At bay: در امان، تحت کنترل
152. Keep sth at bay: جلوگیری از تأثیر منفی
153. Potent: قوی، مؤثر
154. Cocktail of drug: ترکیبی از داروها
155. Adverse: مضر، منفی
156. Toxicities: سمیتها

157. Root: ریشه
158. Likely: احتمالاً
159. Turns up: ظاهر شدن
160. Eliminate: حذف کردن
161. Refine: تصفیه کردن
162. Disturbance: اختلال
163. Note: توجه کردن
164. End game: مرحله نهایی
165. Whole foods diet: رژیم غذایی مواد غذایی طبیعی
166. Taper off: تدریجی کاهش دادن
167. Gradually: به تدریج
168. Instrumental: مؤثر
169. Blame: سرزنش کردن
170. Incorporate: ترکیب کردن
171. Clears up: از بین رفتن
172. Loop: چرخه
173. Stabilize: پایدار کردن
174. Eventually: سرانجام
175. Epidemics of: شیوع سریع

UNIT 4

1. Adjunct: ضمیمه، قسمت الحاقی، افزوده
2. Laughter: خنده
3. Lead a life: زندگی کردن
4. Mere: فقط، صرفه، تنها
5. Inspire: الهام بخشیدن، موجب شدن
6. Dread: ترسیدن، وحشت داشتن
7. Grief: غم و اندوه شدید
8. Displeasure: ناراحت کردن، رنجاندن
9. Erode: فرسایش دادن، به تدریج از بین بردن
10. Favorable: مطلوب، مساعد
11. Survivor: بازمانده (کسی که از حادثه یا بیماری زنده مانده)
12. Appreciation: قدردانی، احساس سپاسگزاری
13. Diminished: کاهش یافته، تقلیل یافته
14. Faith: ایمان، اعتقاد
15. Express: بیان کردن، اظهار داشتن
16. Renewal: نوسازی، تجدید
17. Cherish: عزیز دانستن، به یاد داشتن، گرامی داشتن
18. Go by: عبور کردن (در اینجا: گذشتن)
19. Quality: کیفیت
20. Will: اراده، میل، قصد
21. Explore: بررسی کردن، کشف کردن
22. Therapeutic: درمانی
23. Perspective: دیدگاه، جنبه فکری، زاویه دید
24. Invade: حمله کردن، هجوم بردن
25. Toll: خسارت، تلفات، آسیب
26. To take toll: آسیب رساندن، خسارت وارد کردن
27. Liken: شبیه دانستن، مقایسه کردن
28. Evil: شر، بدی
29. Spread: گسترش یافتن، پخش شدن
30. Prognosis: پیش‌آگهی، پیش‌بینی روند بیماری

31. Goal: هدف
32. Outcome: نتیجه
33. Outcome variable: متغیر وابسته، متغیر نتیجه
34. Trial: آزمایش، بررسی رسمی
35. Clinical trials: کارآزمایی بالینی
36. Sponsor (v): حمایت کردن مالی
37. Identify: شناسایی کردن
38. Perceive: درک کردن، دریافتن
39. Priority: اولویت
40. Conception: تصور، عقیده، برداشت
41. Assess: ارزیابی کردن
42. Dimension: بُعد، جنبه
43. Oncology: سرطان‌شناسی، مطالعه و درمان سرطان
44. Satisfaction: رضایت، خشنودی
45. Symptoms: علائم بیماری
46. Transcend: فراتر بودن، برتری یافتن
47. Devise: ابداع کردن، اختراع کردن
48. Incorporate: ترکیب کردن، ملحق شدن، افزودن
49. Term: دوره، مدت
50. Deserve: سزاوار بودن، مستحق بودن
51. Go down: کاهش یافتن، پایین رفتن
52. Therapeutically: از لحاظ درمانی
53. Ankylosis: جوش خوردگی مفاصل، خشکی مفصل
54. Ankylosing spondylitis: اسپوندیلیت آنکیلوزان (بیماری التهابی ستون فقرات)
55. Adverse: مضر، نامطلوب
56. Worsen: بدتر کردن، وخیم کردن
57. Cumulative: تجمعی، انباشته
58. Sedimentation rate: (ESR آزمایش خون) سرعت رسوب گذاری
59. Reversal: بازگشت، وارونگی
60. Inflammation: التهاب
61. Sustain: ادامه دادن، نگه داشتن
62. Pursue: دنبال کردن، پیگیری کردن

63. Force: نیرو، زور
64. Subjective: ذهنی، فردی
65. Variously: به طور مختلف
66. Dull: کسل کننده، خسته کننده
67. Component: جزء، عنصر
68. Offensive: توهین آمیز، ناخوشایند
69. Wit: طبع، هوش 机
70. Mirth: نشاط، شادی
71. Cognitive: شناختی، مربوط به تفکر و درک
72. Quantify: کمیت چیزی را سنجیدن
73. Strictly: دقیقاً، صرفاً
74. Scant: اندک، ناکافی
75. Pursuit: پیگیری، تعقیب
76. Widespread: شایع، گسترده
77. Respectable: قابل احترام، پذیرفتنی
78. Preference: برتری، اولویت
79. Favorable: مطلوب، مساعد
80. Propose: پیشنهاد کردن
81. Encompass: شامل بودن، اطراف گرفتن
82. Afflicted: مبتلا، رنجور
83. Gloomy: غمگین، تیره
84. Signify: نشان دادن، دلالت داشتن بر
85. Foster: پرورش دادن، بهبود بخشیدن
86. Eliminate: حذف کردن، از بین بردن
87. Quotation: نقل قول، بیان
88. Sound: سالم
89. Significance: اهمیت
90. Depreciate: کاهش ارزش پیدا کردن
91. Underestimate: دست کم گرفتن، ناچیز پنداشتن
92. Highlight: تأکید کردن، برجسته کردن
93. Impact: اثر، تاثیر
94. Threats: تهدیدها، خطرات

95. Systematically: به طور منظم، نظام مند
96. Determine: تعیین کردن، مشخص کردن
97. Guideline: راهنما، دستورالعمل
98. Indice: شاخص ها index جمع شاخص یا
99. Overshadow: تحت الشعاع قرار دادن، سایه انداختن بر
100. Promote: بالا بردن، ترویج دادن، توسعه دادن
101. Absurdity: چرند، پوچی، چیزهای غیرمنطقی
102. Bring about: سبب وقوع چیزی شدن، ایجاد کردن
103. Inconsistency: ناسازگاری، تناقض
104. Contradictory: متناقض، ضدونقیض
105. Nonsense: حرف بی معنی، چرند
106. Arthritis: التهاب مفاصل، آرتروز
107. Stuff: چیز، چیزها
108. Basis: پایه، اساس
109. Take into consideration: به حساب آوردن، در نظر گرفتن
110. Tranquility: آرامش
111. Jealousy: حسادت
112. Liken: مانند کردن، مقایسه کردن
113. Poverty: فقر
114. Inadequate: ناکافی
115. Vulnerable: آسیب پذیر
116. Owe: مدیون بودن، بدهکار بودن
117. Complement: کامل کردن، مکمل بودن
118. Conscious: آگاه، هوشیار
119. Fruits: ثمرات، میوه ها
120. Curiosity: کنجکاوی
121. Incongruity: ناسازگاری، عدم تطابق
122. Confidentiality: قابلیت اعتماد، محرمانگی
123. Abundant: فراوان، وافر
124. Excess: اضافی، بیش از حد
125. Conflicts: تعارض، ناسازگاری، تضاد
126. Abate: کاهش یافتن، فروکش کردن

127. Distract: منحرف کردن توجه، پرت کردن حواس
128. Participant: شرکت‌کننده
129. Contagious: مسری، واگیردار
130. Burst into sth: ناگهان شروع کردن به (گریه، خنده، آواز و ...)
131. Outlet: راه خروج، دریچه، روزنه
132. Indicative: دال بر، نشان‌دهنده
133. Prolific: پرکار، بارور، قوی
134. Didactic: آموزشی، آموزنده
135. Appreciation: قدردانی، درک و لذت بردن از کیفیت
136. Cherish: گرامی داشتن، دوست داشتن زیاد
137. Perspective: دیدگاه، جنبه فکری
138. Transcend: فراتر رفتن، برتری یافتن
139. Adverse: مضر، نامطلوب
140. Pursue: دنبال کردن، پیگیری کردن
141. Conserve: محافظت کردن، ذخیره کردن
142. Engender: به وجود آوردن، ایجاد کردن
143. Linger: باقی ماندن، ادامه یافتن بیش از حد انتظار
144. Mirth: شادی، نشاط، خوشحالی
145. Inquiry: پرس‌وجو، سؤال
146. Modality: روش، شیوه، وجه
147. Client: مشتری
148. Disreputation: بدنامی
149. Demand: تقاضا، درخواست
150. Induce: وادار کردن، تحریک کردن
151. Inducement: ترغیب، انگیزه
152. Induction: القاء، فراخوان، یا شروع تولد (در پزشکی)
153. Undergo: متحمل شدن، پشت سر گذاشتن
154. Invasive: تهاجمی
155. Artificial: مصنوعی
156. Means: وسیله، راه
157. Prescribe: تجویز کردن (نسخه، دارو)
158. Wholeheartedly: صمیمانه، با تمام وجود

159. Legitimize: قانونی کردن
160. Legitimate: قانونی، موجه
161. Legitimacy: مشروعیت، قانونی بودن
162. Legitimately: به طور قانونی
163. Criticize: انتقاد کردن
164. Apparently: ظاهراً
165. Unjustified: بی دلیل، غیرموجه
166. Suppose: فرض کردن
167. Propose: پیشنهاد دادن
168. Senior: ارشد، سالخورده
169. Resident: ساکن (در بیمارستان: پزشک مقیم یا دستیار تخصصی)
170. Minister: وزیر
171. Assert: اظهار کردن، ادعا کردن
172. Frustrate: ناکام کردن، ناامید کردن
173. Frustration (of): ناکامی، احساس سرخوردگی
174. Physician: پزشک
175. Satisfactory: رضایت بخش
176. Chronic: مزمن
177. Victim: قربانی
178. Can't stand: تحمل نکردن
179. Humorous: شوخ، خنده دار
180. Comic: طنزآمیز
181. Comical: بامزه، خنده دار
182. Funny bone: نقطه آرنج که ضربه خوردن به آن حس سوزش و بی حسی ایجاد می کند
183. Bend: خم کردن
184. Bang: ضربه محکم زدن
185. Funny business: تقلب، کار غیرقانونی / دور از صداقت
186. Intend: قصد داشتن
187. Trick: حيله، کلاه
188. Funny farm: (اصطلاح) بیمارستان روان پزشکی
189. Psychiatric: روان پزشکی
190. Offensive: توهین آمیز

191. Carry someone or something off: آدم ربایی کردن، بردن کسی یا چیزی

192. Funny money: پول تقلبی

193. Humor: شوخ طبعی

194. Infectious: مسری، واگیردار

195. Roaring: (در خنده: از ته دل) پرسر و صدا، پرخروش

196. Laughter: خنده

197. Contagious: مسری

198. Cough: سرفه

199. Sniffle: فین فین کردن

200. Sneeze: عطسه

201. Bind: به هم بستن

202. Intimacy: صمیمیت

203. Trigger: محرک، برانگیزاننده

204. Strengthen: تقویت کردن

205. Boost: افزایش دادن، بالا بردن

206. Diminish: کاهش یافتن

207. Antidote (to): پادزهر، ضد

208. Conflict: کشمکش، تعارض

209. Dependably: به طور قابل اعتماد

210. Lighten: سبک کردن

211. Burden: بار، مسئولیت

212. Inspire: الهام بخشیدن

213. Alert: هشیار

Further reading

214. Noting: توجه کردن به

215. Stimulation: تحریک

216. Digestion: هضم

217. Tension: تنش

218. Jogging: دویدن آرام

219. Exhalation: بازدم

220. Inhalation: دم

221. Tolerance: تحمل
222. Unsubstantiated: بی‌مدرک، اثبات‌نشده
223. Hold (to have a particular opinion or belief): معتقد بودن
224. Analgesic: مسکن
225. Serve: سود رساندن، مفید بودن
226. Distraction: حواس‌پرتی
227. Survey: نظرسنجی، تحقیق
228. Nonpharmaceutical: غیر دارویی
229. Rate: ارزیابی کردن
230. Cope (with): کنار آمدن با
231. Lasting: ماندگار، بادوام
232. Subside: کاهش یافتن، فروکش کردن
233. Linger: طول کشیدن
234. Ordinarily: معمولاً
235. Abate: فروکش کردن
236. Adverse: مضر، نامطلوب
237. Tend: تمایل داشتن
238. Depress: پایین آوردن، کم کردن
239. Favorable: مطلوب، مناسب
240. Burst (into) something: ناگهان شروع کردن به کاری (خنده، گریه، آواز)
241. Suppress: سرکوب کردن
242. Elevate: بالا بردن
243. Pleasure: لذت
244. Momentarily: برای مدت کوتاهی
245. Ease: آسانی، آرامش
246. Induce: موجب شدن
247. Initiate: آغاز کردن
248. Minimize: کم کردن، به حداقل رساندن
249. Emphasize: تاکید کردن
250. Circumstances: شرایط
251. Beyond: ورای
252. Outlet: راه خروج، تخلیه (روانی یا فیزیکی)

253. Inexpressible feelings: احساسات غیر قابل بیان
254. Beneficial: سودآور، مفید
255. Appropriate: مناسب
256. Relieve: تسکین دادن
257. Conserve: ذخیره کردن، حفظ کردن
258. Promote: ترویج دادن، ارتقاء دادن
259. Inhibit: بازداشتن، جلوگیری کردن
260. Engender: ایجاد کردن
261. Administer (to): دادن (دارو یا درمان)
262. Light joking: شوخی سبک
263. Stiffen: سفت کردن
264. Uncertainty: عدم قطعیت
265. Ideal: ایده آل
266. Assess: ارزیابی کردن
267. Intervene: دخالت کردن
268. Value: ارزش قائل شدن
269. Cultivate: پرورش دادن
270. Heighten: افزایش دادن
271. Expose somebody to something: در معرض قرار دادن
272. Heartwarming: دلگرم کننده
273. Interact: تعامل داشتن
274. Thrive: رشد کردن، شکوفا شدن
275. Reciprocal: دوطرفه
276. Establish: ایجاد کردن
277. Competence: شایستگی
278. Sincere: صادق
279. Commitment: تعهد
280. Introduce something into something: وارد کردن چیزی به چیزی دیگر
281. Crisis: بحران
282. Vomit: استفراغ
283. Assessment: ارزیابی
284. Incidence: رخداد، شیوع

285. Indicate: نشان دادن
286. Being at home (in a situation): احساس راحتی داشتن
287. Gentle: ملایم
288. Intervention: مداخله
289. Convey: منتقل کردن، رساندن
290. Warmth: گرما، صمیمیت
291. Sympathy: همدردی
292. Compassion: دلسوزی
293. Race: نژاد
294. Ethnic (Ethnic group): قومی (گروه قومیتی)
295. Reference: ارجاع
296. Permissible: مجاز
297. Therapeutic: درمانی
298. Receptive: پذیرنده
299. Participate: شرکت کردن
300. Live life to the fullest: نهایت لذت را از زندگی بردن
301. Sure: مطمئن
302. Alleviate: کاهش دادن
303. Distress: پریشانی
304. Legitimate: قانونی
305. Facet: جنبه
306. Pursue: دنبال کردن
307. Frustration: ناکامی
308. Something comes into perspective: توجه به واقعیات، مدیریت پذیر شدن مشکل
309. Profession: حرفه
310. Prioritize: اولویت بندی کردن
311. Moral: اخلاقی
312. Personnel: پرسنل
313. Mutual: متقابل
314. Direct: مستقیم
315. Mock: مسخره کردن
316. Employ: استخدام کردن، به کار بردن

317. Merit: شایستگی
318. Negate: بی اثر کردن
319. Bring something about: باعث شدن
320. Facilitate: تسهیل کردن
321. Recall: به یاد آوردن
322. Theoretical: نظری
323. Quite: کاملاً
324. Empirical: تجربی
325. Lack: کمبود
326. Address: خطاب قرار دادن، رسیدگی کردن
327. Appearance: ظاهر
328. Motivate: انگیزه دادن
329. Intolerable: غیر قابل تحمل
330. Favor: ترجیح دادن
331. Subsequently: سپس
332. Recipient: دریافت کننده

UNIT 5

1. Surrogacy: توافقی که طی آن یک زن بارداری را برای شخص یا اشخاص دیگری انجام می‌دهد (به نیابت بارداری کردن)
2. Bestowed: بخشیدن، اعطا کردن (به عنوان احترام یا افتخار)
3. Capacity: توانایی انجام کار خاص، ظرفیت
4. Procreate: تولید مثل کردن، بچه آوردن
5. Cherishes: گرامی داشتن، دوست داشتن، تحسین کردن
6. Offspring: فرزندان، اولاد
7. Alternative solutions: گزینه‌های جایگزین، راه‌حل‌های دیگر
8. Presents: رخ دادن، اتفاق افتادن (مثلاً یک فرصت، موقعیت یا مشکل جدید ظاهر شود)
9. Viable: قابل بقا، عملی، شدنی، بادوام
10. Advances: پیشرفت‌ها، بهبودها
11. Assist: کمک کردن، یاری رساندن
12. Reproductive: وابسته به تولید مثل، تولیدمثلی
13. Donor: اهداکننده
14. Donor insemination: لقاح مصنوعی با استفاده از اسپرم اهداکننده (کاربرد سرنگ برای انتقال اسپرم)
15. Have revolutionized: دگرگون کردن، تغییرات اساسی ایجاد کردن
16. Desirable: مطلوب، خواستنی
17. Long (to): آرزو داشتن، مشتاق بودن به دست آوردن چیزی
18. Taking advantage = profit = to gain benefit: سود بردن، بهره‌برداری کردن
19. In vitro: در محیط آزمایشگاهی یا مصنوعی (بیرون از بدن)
20. Injection: تزریق کردن
21. Very (the very word): دقیقاً، همان (معنی واقعی یک کلمه)
22. Surrogate mother: مادر جانشین (زنی که به نیابت از دیگری باردار می‌شود)
23. Substitute: جانشین، جایگزین؛ جانشین شدن یا موقتاً جای کسی را گرفتن
24. Hire: استخدام کردن، اجاره کردن
25. To bear a child: بچه به دنیا آوردن، زاییدن
26. Hands over: تحویل دادن، واگذار کردن (مثلاً واگذاری کودک پس از تولد)
27. Arrangement: توافق، هماهنگی، قرار و مدار
28. Confined: محدود، محصور
29. Kith and kin: دوستان و خویشاوندان، اقوام و آشنایان

30. Altruistic: (مخالف: selfish) نوع دوستانه، ایثارگرانه
31. Deed: عمل، کار (اغلب یک کار مهم یا اخلاقی)
32. Turned (to): روی آوردن به، تبدیل کردن به (اغلب به معنای تغییر جهت یا کاربرد)
33. Commercial: مربوط به تجارت و بازرگانی
34. Contract: قرارداد، توافق نامه
35. Recruited: استخدام شده (یا جذب شده برای کار یا وظیفه‌ای)
36. Operating agencies: آژانس‌های اجرایی یا اجراکننده
37. Profit: سود (پولی که از فروش یا تجارت به دست می‌آید)
38. Commercialization: تجاری‌سازی، تبدیل کردن به تجارت
39. Black market: بازار سیاه، خرید و فروش غیرقانونی کالا
40. Breeding farms: مزارع پرورش (مثل حیوانات برای تولیدمثل)
41. Selective breeding: پرورش انتخابی (تولید مثل با انتخاب والدین با صفات خاص)
42. Impoverished: بسیار فقیر
43. Degrade: پایین آوردن، پست کردن، تحقیر کردن
44. Lays down: اعلام کردن، تعیین کردن (به طور رسمی تعیین کردن قانون یا قاعده)
45. Purchasing: خریداری کردن
46. Regardless: بدون توجه به، فارغ از
47. Marital: مربوط به ازدواج، زناشویی
48. Sexual orientation: گرایش جنسی (ترجیح فرد در انتخاب شریک جنسی)
49. Option: انتخاب، گزینه
50. Gestational: مربوط به بارداری
51. Uncharted territory: موضوع یا منطقه ناشناخته و جدید
52. Uncharted: ناشناخته
53. Parties: طرفین یا افراد گروه (درگیر در یک قرارداد یا توافق)
54. Scientific literature: متون یا منابع علمی
55. Regarding: درباره، در خصوص
56. Obstetrics: علم مربوط به زایمان و بارداری
57. Gynecology: علم بیماری‌های زنان
58. Council: شورا
59. Clarity: وضوح، روشنی
60. Visible: قابل دیدن، آشکار
61. Pathway: مسیر، راه

62. Term: اصطلاح
63. Reproduce: تولید مثل کردن، بچه آوردن
64. Intend: قصد داشتن، تصمیم داشتن
65. Commission: مأموریت داشتن، مأمور کردن
66. Expectant: (در اینجا) نوزاد در آستانه تولد، زن باردار
67. Donate: اهدا کردن، بخشیدن
68. Ova: تخمک‌ها
69. Gestate: در رحم داشتن (حاملگی)
70. Gestational: مربوط به دوران بارداری، حاملگی
71. Accomplished: انجام شده، کامل شده
72. Thereby: بدین وسیله
73. Delivery: زایمان، تولد
74. Whereby: که به واسطه آن
75. Relinquish: رها کردن، دست کشیدن
76. Undergo: متحمل شدن، تجربه کردن
77. In essence: اساساً، در اصل
78. Womb: رحم
79. Rent: اجاره کردن
80. Utilize: استفاده کردن
81. Primarily: عمدتاً، در درجه اول
82. Implication: پیامد، نتیجه ضمنی
83. Postulate: فرض کردن، پیشنهاد دادن
84. Intention: نیت، قصد
85. Regard: وابسته بودن، توجه کردن، مرتبط دانستن
86. Foundation: بنیان، اساس
87. Borders: مرزها
88. Move around: دور زدن، روبرو نشدن با کسی یا چیزی
89. Restrictive: محدودکننده
90. Being banned = have barred: ممنوع شدن، قدغن شدن
91. Anonymous: بی‌نام، بدون نام
92. Stipulation: شرط، شرایط و ضوابط
93. Moderate: معتدل

94. Favorable: مثبت، مطلوب؛ نشان دهنده حمایت یا تأیید
95. Ovum: تخمک
96. Advocate: طرفداری و حمایت کردن
97. Detractors: منتقدان
98. Liberal: آزادی خواه، روشنفکر
99. Dignity: بزرگی، شأن و مقام
100. Divorce: طلاق
101. Disintegration: تجزیه، فروپاشی
102. Exploitation: بهره‌برداری، سوءاستفاده (رفتار ناعادلانه برای به دست آوردن سود برای خود)
103. Qualified staff: پرسنل واجد صلاحیت
104. Inflation: تورم
105. Staple: ماده اصلی، غذای اصلی
106. Retain: نگه داشتن، حفظ کردن
107. Orientation: جهت گیری
108. Postulation: فرضیه
109. Implementing: به اجرا گذاشتن، پیاده سازی
110. Assessed: ارزیابی کردن
111. Menstrual: مربوط به قاعدگی
112. Species: گونه
113. Procedure: روش، روند
114. Anesthesia: بی‌حسی (عدم احساس درد در اثر دارو یا تزریق گازها)
115. Appendectomy: عمل برداشتن آپاندیس
116. Hysterectomy: عمل برداشتن رحم
117. Acupuncture: طب سوزنی
118. Homeopathy: هومئوپاتی، درمان امراض با داروهای رقیق
119. Hypnotherapy: درمان از طریق هیپنوتیزم یا خواب مصنوعی
120. Rule out: کنار گذاشتن، رد کردن
121. Pity: دلسوزی، ترحم
122. Thoroughly: کاملاً، به طور کامل
123. Misinform: غلط اطلاع دادن، گمراه کردن
124. Assume: فرض کردن
125. Motivation: انگیزه

126. Assign: واگذار کردن، تعیین کردن
127. Symptomatic: نشانه‌دهنده، مشخصه
128. Dissolution: تجزیه، فروپاشی
129. Sanctity: قداست، حرمت
130. Breeder class: طبقه اجتماعی (از والدینی که بچه می‌آورند)
131. Oversimplified: بیش از حد ساده کردن
132. Appreciate: قدردانی کردن، ارج نهادن
133. Monetary: مالی، پولی
134. Compensation: جبران، غرامت
135. Multifaceted: چندوجهی، دارای جنبه‌های متعدد
136. Funds: وجوه، پول
137. Debts: بدهی‌ها
138. Strict guidelines: دستورالعمل‌های سختگیرانه
139. Norms: هنجارها، استانداردها

Further reading

140. Disparity: اختلاف، عدم توافق، تفاوت
141. Documented: ثبت‌شده، به‌مدرك درآوردن
142. Debated: بحث کردن، مناظره کردن
143. Versus: در مقابل، علیه
144. Conflict: درگیری، کشمکش، اختلاف جدی
145. Assured: مطمئن
146. Anonymity: ناشناس بودن
147. Mate: جفت، همسر
148. Sibling: خواهر یا برادر
149. Unknowingly: بی‌اطلاع، ناآگاهانه
150. Addresses: پرداختن به، رسیدگی کردن
151. Imperfect: ناقص، غیر کامل
152. Complication: عارضه، پیچیدگی
153. Strife: دعوا، نزاع، اختلاف شدید
154. Disagreement: اختلاف نظر، اختلاف عقیده
155. Variables: متغیرها، عوامل

156. Illustrates: نشان دادن، توضیح دادن با مثال
157. Screening: غربالگری، آزمایش
158. Obstetrician: متخصص زنان و زایمان (ویژه بارداری و زایمان)
159. Gynecologist: متخصص بیماری‌های زنان
160. Participating: شرکت‌کننده، مشارکت داشتن
161. Acknowledging: اذعان کردن، تایید کردن
162. Beneficence: نیکوکاری، خیرخواهی، نیکی
163. Non-maleficence: ضرر نرساندن
164. Justice: عدالت
165. Forefront: در صدر، پیشرو
166. Exceed: فراتر رفتن، تجاوز کردن
167. Throughout: سراسر، در تمام مدت
168. Biased: جانب‌دارانه، با تعصب یا غرض
169. Criticize: انتقاد کردن
170. Impartial: بی‌طرف، خنثی
171. Doubt: شک و تردید
172. Maintain: ادامه دادن، حفظ کردن
173. Retarded: عقب‌مانده (اصطلاح غالباً توهین‌آمیز برای تاخیر رشد ذهنی)
174. Fairness: انصاف، عدالت، بی‌طرفی

UNIT 6

1. Politician: سیاستمدار
2. Occurrence: رخ دادن، پیش آمدن
3. Preventive: پیشگیرانه
4. Option: گزینه، راه حل
5. Instinct: غریزه
6. Struggle: تقلا کردن، مبارزه کردن، تلاش زیاد
7. Exploit: سوءاستفاده کردن، بهره‌کشی کردن
8. As such: به خودی خود، همانطور که هست
9. Upstream: رو به بالا، خلاف جریان
10. Determinant: عامل تعیین‌کننده
11. Structural influence: تأثیر ساختاری
12. Promote: تبلیغ کردن، ترویج دادن
13. Afford: استطاعت داشتن، توان مالی داشتن
14. Social norms: هنجارهای اجتماعی
15. Approach: برخورد یا رویکرد به یک موضوع
16. Intervention: مداخله
17. Policy: سیاست، راهبرد
18. Find: متوجه شدن، یافتن
19. Corporate board room: اتاق هیئت مدیره
20. Food suppliers: تهیه‌کنندگان غذا
21. Marketers: بازاریابان
22. Well trained: آموزش دیده، تحصیل کرده
Relevant: مرتبط
23. Outclass: برتری داشتن بر، بهتر بودن
24. Outspend: بیشتر خرج کردن از
25. Lobbyist: لابی‌گر
26. Status quo: وضعیت موجود
27. Implication: پیامد، نتیجه ضمنی
28. Unrealistic: غیر واقعی
29. Carrot and sticks: سیاست تشویق و تنبیه

30. Persuade: متقاعد کردن
31. Gear: وفق دادن، هماهنگ کردن
32. Maximize: به حداکثر رساندن
33. Profit: سود
34. Social value: ارزش اجتماعی
35. Impose: تحمیل کردن
36. Refute: رد کردن
37. Evade: طفره رفتن
38. Level playing field: شرایط برابر برای رقابت
39. Initiative: ابتکار عمل
40. Latitude: آزادی عمل
41. Desirable: مطلوب، خواستنی
42. Cater (to): تأمین کردن، برآوردن نیاز
43. Acquire: به دست آوردن، کسب کردن
44. Revolve around: محور بحث بودن
45. Conduct: انجام دادن
46. Clinical: بالینی
47. Setting: محیط، شرایط
48. Redirect: تغییر جهت دادن
49. Continuously: به طور مداوم
50. Confront: روبرو شدن
51. Entice: وسوسه کردن
52. Mass: عمده، بزرگ، عمومی
53. Fundamental: بنیادی، اساسی
54. Prospect: احتمال، فرصت
55. Advice: توصیه
56. Readily: به آسانی
57. Appealing: جذاب
58. Perceptible: قابل درک
59. Adverse effects: اثرات مضر
60. Formidable: دشوار، چالش برانگیز
61. Recommendation: توصیه

62. Task force: کارگروه
63. Place: قرار دادن
64. Confidence: اعتماد
65. Counselling: مشاوره
66. Chronic: مزمن
67. Pharmacologic: دارویی
68. Tolerable: قابل تحمل
69. Feasible: عملی، شدنی
70. Afford to: توانایی انجام یا مدیریت داشتن
71. Arena: عرصه، حوزه
72. Transcend: فراتر رفتن
73. Disciplinary: وابسته به رشته تحصیلی یا انضباط
74. Discipline: رشته تحصیلی، نظم
75. Boundary: مرز
76. Scholarly: علمی، دانشگاهی
77. Comfort zone: منطقه راحتی
78. Painfully: خیلی، شدیداً
79. Communicable: مسری
80. Indicate: نشان دادن
81. Potential: توانایی
82. Impact: تأثیر
83. Forebear: اجداد
84. Odd: عجیب
85. Substance: ماده
86. So much as: بلکه، بلکه که
87. Westernize: غربی سازی کردن
88. Cumulative: تجمعی
89. Were we (to eat): اگر می خوردیم
90. Life course: طول عمر
91. Agenda: دستور کار
92. Policy agenda: لیست موضوعات سیاستی
93. Address: رسیدگی کردن

94. Epidemiologic: اپیدمیولوژیک
95. Particular: خاص
96. Trial: آزمایش، تحقیق
97. Provide: فراهم کردن
98. Convincing: قانع کننده
99. Be better off: وضعیت بهتر داشتن
100. Consumption: مصرف
101. Beverage: نوشیدنی
102. Adequate: کافی
103. Up to the task: قادر به انجام کار
104. Accomplish: انجام دادن
105. Assure: اطمینان دادن
106. Get beyond: فراتر رفتن
107. Impasse: بن بست
108. Interrelated: مرتبط
109. Complexity: پیچیدگی
110. Call for: نیاز داشتن
111. Transdisciplinary: فرارشته ای
112. Take into account: در نظر گرفتن
113. Nutrition: تغذیه
114. Deserve: سزاوار بودن
115. Dynamics: پویایی
116. Integrate: ادغام کردن
117. Engage: درگیر کردن
118. Lay people: مردم عادی
119. Expand: گسترش دادن
120. Ultimate: نهایی
121. Critical: حیاتی
122. Parallel: موازی، مشابه
123. Integrated: یکپارچه
124. Outrun: پیشی گرفتن
125. Aim: هدف داشتن

126. Maintain: حفظ کردن
127. Carrots and sticks: هویج و چماق
128. Necessitate: ایجاب کردن
129. Specialist: متخصص
130. Prosperous: موفق، ثروتمند
131. Quit (tobacco use): ترک کردن
132. Tobacco: تنباکو
133. Holistic: جامع
134. Oppose: مخالفت کردن
135. Formulate: فرمول‌بندی کردن
136. Intervene: مداخله کردن
137. Satisfy: راضی کردن
138. Leave out: حذف کردن
139. Blow up: منفجر شدن
140. Impediment: مانع
141. In favor of: به نفع
142. Execute: اجرا کردن
143. Obstacle: مانع
144. Equip: مجهز کردن
145. Negotiation: مذاکره
146. Accumulation: تجمع
147. Enticing: جذاب، فریبنده
148. Enticement: جلب، تطمیع
149. Lure: وسوسه کردن
150. Perceive: درک کردن
151. Perception: ادراک
152. Perceptive: حساس، تیزبین
153. Trickle: قطره
154. Barely: به سختی
155. Set up: ایجاد کردن
156. Consume: مصرف کردن
157. Consumerism: مصرف‌گرایی

158. Gap: فاصله
159. Pass on: انتقال دادن
160. Goods: کالا
161. Starve: گرسنگی کشیدن
162. Desperate: ناامید
163. Ground breaking: نوآورانه
164. Destiny: سرنوشت
165. Shorten: کوتاه کردن
166. Destine: مقدر کردن
167. Complain: شکایت کردن
168. Resolution: راه حل
169. Springtime: فصل بهار
170. Figure: تصور کردن
171. Journalism: روزنامه نگاری
172. Colleague: همکار

Further reading

173. Nutritional genetics: ژنتیک تغذیه
174. Get-lean: لاغر شدن
175. Zero belly diet: رژیم بدون چربی شکم
176. Handful: مشت، تعداد کم
177. Tweak: اصلاح جزئی
178. Gut: روده
179. Dampen: کاهش دادن
180. Shed: ریختن، از دست دادن
181. Shedding: از دست دادن
182. Belly fat: چربی شکم
183. Routine: روال عادی
184. Check out: بررسی کردن
185. Brisk: سریع و پراثر
186. Ritual: عادت
187. Exposure: قرارگیری

188. Intake: دریافت
189. Speculate: حدس زدن
190. Synchronize: هماهنگ کردن
191. Undercut: تضعیف کردن
192. Fast: روزه گرفتن
193. Oatmeal: بلغور جو دوسر
194. Recipe: دستور آشپزی
195. Panelist: شرکت‌کننده پنل
196. Dramatic: چشمگیر
197. Happen to: اتفاقی کاری را انجام دادن
198. Satisfying: راضی‌کننده
199. Satisfactory: رضایت‌بخش
200. Sweet tooth: میل به خوردن شیرینی
201. Stride: گام
202. Cook up: تهیه کردن
203. Top: تزیین کردن
204. Magical: جادویی
205. Insoluble: حل‌نشدنی
206. Healthy (bacteria): مفید
207. Trigger: راه انداختن
208. Butyrate: یک نوع اسید چرب
209. Choose sth over sth: چیزی را به چیز دیگر ترجیح دادن
210. Watermelon: هندوانه
211. Honeydew: عسلک
212. Pink lady: نوعی سیب قرمز
213. Granny smith: نوع سیب سبز
214. Flavonoid pigments: رنگدانه‌های فلاونوئید
215. Red bellied stone fruit: میوه هسته‌دار با گوشت قرمز
216. Plum: آلو
217. Boast: به رخ کشیدن
218. Modulate: تنظیم کردن
219. Expression (of gene): بیان ژن

220. Guacamole: دیپ آووکادو
221. Incorporate: افزودن
222. Avocado: آووکادو
223. Come off: کنده شدن
224. Glowing (skin): شفاف و درخشان
225. Double-whammy: دو گرفتاری همزمان
226. Monounsaturated fat: چربی تک‌اشباع
227. Dim: کم کردن
228. Switch: کلید
229. Participant: شرکت کننده
230. Smoothie: اسموتی
231. Monster: مقدار عظیم
232. Belly busting: چربی سوز
233. Bust: نابود کردن
234. Snack: میان وعده
235. Unpronounceable: غیر قابل تلفظ
236. Upset: ناراحت کردن
237. Bloat: نفخ
238. Whey: آب پنیر
239. Amplify: تقویت کردن
240. Vegan: گیاه‌خوار
241. Squelch: خفه کردن
242. Powered up: فعال شدن
243. Lean meat: گوشت کم‌چرب
244. Collard green: سبزی کلم
245. Go to: همیشگی
246. Fire-fighter: آتش‌نشان
247. Waist: کمر
248. Pitcher: پارچ
249. Spa water: آب طعم‌دار شده
250. Make a point of doing sth: به چیزی عادت داشتن
251. Peel: پوست

252. Citrus: مرکبات
253. Antioxidant: آنتی اکسیدان
254. DE limonene: نوعی ترپن
255. Compound: ترکیب
256. Peel: پوست میوه
257. Stimulate: تحریک کردن
258. Flush: دفع کردن
259. Sluggish: کند
260. Bowel: روده
261. Give sluggish bowels a kick: روده ها را فعال کردن
262. Blast: منفجر کردن
263. Brew: دم کردن
264. Pot: ظرف، قوری
265. Sector: بخش، حوزه
266. Overcome: غلبه کردن

UNIT 7

1. Prescription: تجویز
2. Improvement: پیشرفت
3. Recognition: شناسایی
4. Extraordinary: فوق العاده
5. Morbidity: میزان گسترش بیماری
6. Mortality: مرگ و میر
7. Associate: مرتبط بودن، همراه بودن
8. Due to: به علت
9. In part: تا حدی
10. Fine: ظریف
11. Pathophysiology: آسیب شناسی عملکردی
12. Epidemiology: علم شیوع بیماری
13. Notably: به طور برجسته
14. Rapid: سریع
15. Treatment: درمان
16. Attack: بروز ناگهانی (حمله)
17. Agent: عامل
18. Infected host: میزبان آلوده
19. Eliminate: حذف کردن
20. Initially: در آغاز
21. Miraculous: معجزه آسا
22. Systemic: وابسته به تمام بدن
23. Scarce: نادر
24. The Military: نیروهای نظامی
25. Manufacture: تولید کردن
26. Simplified: ساده شده
27. Ease: آسان کردن
28. Widespread: شایع
29. Panacea: نوش دارو
30. Trivial: بی اهمیت، جزئی

31. Resistant: مقاوم
32. Mutant form: فرم جهش یافته
33. Significant: قابل ملاحظه
34. Strain: گونه
35. Susceptible: آسیب پذیر
36. Nosocomial infection: عفونت بیمارستانی
37. Spread: گسترش یافتن
38. Otherwise: در غیر این صورت
39. Fit: سالم
40. Strive to: تلاش کردن
41. Adapt: تطبیق دادن
42. Potentially: بالقوه
43. Lethal: مرگ آور
44. Endure: پایدار ماندن
45. Phenomenon: پدیده
46. Multi-resistant: مقاوم به چند دارو
47. Render: باعث شدن
48. Pathogen: عامل بیماری زا
49. State: بیان کردن
50. Record: رکوردی، بسیار سریع
51. For the most part: عمدتاً، بیشتر اوقات
52. Capable: توانمند
53. Viable: زیستاً، قابل رشد
54. Critically: به طور بحرانی
55. Intensive: شدید
56. Immunosuppress: سرکوب کردن سیستم ایمنی
57. Debilitate: ناتوان کردن، ضعیف کردن
58. Debilitated: ناتوان و ضعیف
59. Chronic: مزمن
60. Neutropenic: دارای نوتروفیل پایین
61. Witness: شاهد بودن
62. Worrisome: نگران کننده

63. Scope: حوزه، دامنه
64. To date: تا کنون
65. Simultaneous: همزمان
66. Instance: مثال
67. Clinician: پزشک بالینی
68. Prediction: پیش‌بینی
69. Eradication: ریشه‌کنی
70. If anything: اگر تغییری باشد
71. Emergence: ظهور
72. SARS: سندرم حاد تنفسی شدید
73. Trend: گرایش
74. Thus far: تا حالا
75. Indicate: نشان دادن
76. Migrate: مهاجرت کردن
77. Setting: محیط، زمینه
78. Net result: نتیجه نهایی
79. Decrease: کاهش یافتن
80. Combat: مبارزه کردن با
81. Morbid: بیمارگونه
82. Mild: ملایم
83. Engage: درگیر شدن
84. Approval: تأیید
85. Overstretch: بیش‌ازحد استفاده کردن
86. Wisdom: خرد، دانایی
87. Warn: هشدار دادن
88. Consequence: نتیجه
89. Excessive: بیش‌ازحد
90. Repercussion: نتیجه، پیامد
91. Indiscriminate: بدون توجه به ملاک
92. Restricted: محدود
93. Boundary: مرز
94. Cross the boundaries of something: فراتر رفتن

95. Immediate: بی‌واسطه
96. Gloomy: غم‌زده، افسرده
97. Desperate: سخت بی‌امید
98. Feature: ویژگی
99. Reasonable: منطقی
100. Diversity: گوناگونی
101. Speculation: حدس و گمان
102. Empirical: تجربی
103. Backing: تایید
104. Exaggeration: اغراق
105. Originally: در ابتدا
106. Community: جامعه
107. Gradually: به تدریج
108. Exacerbate: بدتر کردن
109. Species: گونه
110. Extinction: انقراض
111. Be loaded with: سرشار بودن
112. Semester: نیم‌سال آموزشی
113. Course: دوره آموزشی
114. Schedule: برنامه زمانی
115. Severe: شدید
116. Hardship: مشقت
117. Survive: زنده ماندن
118. Exclusively: منحصراً
119. Equip: مجهز کردن
120. Enable: قادر ساختن
121. Conveniently: به راحتی
122. Status: وضعیت
123. Presently: اکنون
124. Gruesome: مرهیب
125. Pessimistic: بدبین
126. Expression: بیان

127. Remedy: درمان
128. Call: دعوت، الزام
129. Harsh: تند
130. Criticism: انتقاد
131. Doubt: شک
132. Respiratory: تنفسی
133. Contain: شامل شدن
134. Be at ease: راحت بودن
135. Fever: تب
136. In time: به موقع
137. Pharmaceutical: وابسته به داروسازی
138. Decade: دهه
139. Resemble: شبیه بودن
140. Matter: مسئله
141. Noticeable: قابل توجه
142. Protective: محافظ
143. Filter out: فیلتر کردن
144. Ray: پرتو
145. Flu: آنفلوآنزا
146. Forefather: نیاکان
147. For instance: مثلاً
148. Strength: قدرت
149. Hardy: مقاوم
150. Remain: باقی ماندن
151. Tend to care for: مراقبت کردن
152. Regularly: مرتباً
153. Undergo: متحمل شدن
154. Transplant: پیوند زدن
155. Prevent: جلوگیری کردن
156. Rejection: رد کردن
157. Invader: مهاجم
158. Efficiency: بازده

159. At hand: نزدیک
160. Intelligent: هوشمند
161. –Fold: (پسوند) برابر
162. Infect: آلوده کردن
163. Infection: عفونت
164. Infectious: عفونی
165. Infected: مبتلا
166. Recognition: شناسایی
167. Recognized: شناخته شده
168. Mortal: فانی
169. Immortal: جاودان
170. Migration: مهاجرت
171. Migrant: مهاجر
172. Migratory: مهاجرتی
173. Initiate: آغاز کردن
174. Initiation: آغاز
175. Initial (noun): اولین بخش
176. Initial (adjective): ابتدایی
177. Appropriate (verb): اختصاص دادن
178. Appropriation: تملک
179. Appropriate (adjective): مناسب
180. Inappropriate: نامناسب
181. Resist: مقاومت کردن
182. Resistance: مقاومت
183. Resistor: (قطعه الکترونیکی) مقاومت
184. Resistant: مقاوم
185. Adapt: سازگار شدن
186. Adaption: سازش
187. Adaptive: انطباقی
188. Therapy: درمان
189. Therapeutics: درمان شناسی
190. Therapeutic: درمانی

191. Acquire: به دست آوردن
192. Acquisition: اکتساب
193. Acquired: اکتسابی
194. Acquisitive: حریص
195. Wound: زخم
196. Communicable (diseases): واگیر، مسری
197. Go a long way towards: خیلی کمک کننده بودن
198. Hygiene: بهداشت
199. Preventive: پیشگیری کننده
200. Curative: درمانی
201. Creature: مخلوق
202. Eternally: جاودان
203. Favorable: مساعد
204. Region: منطقه
205. Oblige: مجبور کردن
206. Surgeon: جراح
207. Disinfect: ضد عفونی کردن
208. Judgment: قضاوت
209. Character: شخصیت
210. Appearance: ظاهر
211. Unethical: غیر اخلاقی
212. Rule of thumb: قانون مبتنی بر تجربه
213. Chill: لرز
214. Constant: همیشگی
215. Unrealistic: غیر واقع بینانه
216. Exaggerated: اغراق آمیز
217. Herb: گیاه دارویی
218. Miracle: معجزه
219. Consumerism: مصرف گرایی
220. Gather: جمع آوری کردن
221. Possession: مالکیت

Further reading

- 222. UN: سازمان ملل
- 223. Curb: مهار کردن
- 224. Leading: پیشتاز
- 225. Give up: منصرف شدن
- 226. Tackle: مقابله کردن
- 227. Chair: رئیس
- 228. Consumption: مصرف
- 229. Controversial: جنجالی
- 230. Emission: انتشار
- 231. Habitat: زیستگاه
- 232. Destruction: نابودی
- 233. Rear: پرورش دادن
- 234. Cattle: دام
- 235. Relatively: نسبتاً
- 236. Habit: عادت
- 237. Means: وسیله
- 238. Agriculture: کشاورزی
- 239. Estimate: برآورد کردن
- 240. Generate: ایجاد کردن
- 241. Ruminant: نشخوارکننده
- 242. Emit: ساطع کردن
- 243. Agency: نمایندگی
- 244. Economist: اقتصاددان
- 245. Vegetarian: گیاهخوار
- 246. Emphasize: تأکید کردن
- 247. Sector: بخش
- 248. Restaurateur: رستوران‌دار
- 249. Gluttony: پرخوری
- 250. Import: وارد کردن
- 251. Welfare: رفاه

252. Compassion: همدلی
253. Lead: رهبری کردن
254. Campaign: کمپین
255. Point out: اشاره کردن
256. Benefit: سود
257. Equivalent: معادل
258. Chop: برش دادن
259. Guideline: راهنما
260. Adviser: مشاور
261. Regulate: تنظیم کردن
262. Unfair: غیرمنصفانه
263. Targeted: هدفمند
264. Contradictory: متناقض
265. Livestock: دام
266. Young: نوزادان
267. Simplistic: ساده‌انگارانه
268. Propose: پیشنهاد دادن
269. Graze: چرا کردن
270. Potent: نیرومند
271. Flatulence: نفخ شکم
272. Average person: فرد معمولی
273. Dairy cow: گاو شیری
274. Dramatically: به شدت
275. Collective: جمعی
276. Chew: جویدن

UNIT 8

1. Reflect: نشان دادن
2. Euthanasia: کشتن کسانی که به بیماری صعب‌العلاج مبتلا هستند
3. Narrow sense: معنای محدود
4. Intentional: عمدی
5. Omission: حذف، از قلم انداختن
6. On the grounds that: بر این پایه و اساس که
7. Consent: رضایت دادن
8. Alleviating: آرام کردن، کم کردن
9. Foresee: پیش‌بینی کردن
10. Refrain from: خودداری کردن
11. Burdensome: گرانبار، سنگین
12. Active euthanasia: اقدام عمدی به مرگ بیمار
13. Passive euthanasia: اجازه دادن به بیمار تا با عدم درمان بمیرد
14. Palliative: تسکین‌دهنده، آرامش‌بخش
15. Impose: تحمیل کردن
16. Obligation: الزام، وظیفه
17. Prognosis: پیش‌آگهی
18. Unforeseeable: غیرقابل پیش‌بینی
19. Designate: گماشتن، انتخاب کردن
20. Beforehand: پیشاپیش
21. Emancipate: از زیر سلطه خارج کردن
22. Emancipated minor: فرد نابالغ دارای حق قانونی
23. Owing to: به علت
24. Conventional: مرسوم، سنتی
25. Serenity: آرامش
26. Carry out: انجام دادن
27. Stress: تأکید کردن
28. Sedation: تسکین
29. Legislator: قانون‌گذار
30. Specify: تعیین کردن

31. Notion: تصور، اندیشه
32. Implementation: اجرا
33. Evaluation: ارزیابی
34. Declaration: اعلام، اظهاریه
35. Indication: دلالت، نشانه
36. Nevertheless: با این وجود
37. Accurate: دقیق، درست
38. Communicated: ابلاغ شده، اعلام شده
39. Operational: قابل استفاده، مؤثر
40. Literature: زمینه و پیشینه موضوع
41. Instance: مورد، نمونه
42. Tribulations: رنج، زحمت، اختلال
43. Mercy killing: اتانازی (کشتن از روی شفقت)
44. Qualifications: صفات، شرایط
45. Administer: اداره کردن
46. Unbearable: تحمل ناپذیر
47. Dietician: متخصص تغذیه
48. The pill: قرص ضدبارداری
49. Discount: کم کردن، جدی نگرفتن
50. Undermine: تحلیل بردن، تضعیف کردن
51. Compute: محاسبه کردن
52. Epidemic: همه گیری، فراگیر
53. Once: یکبار، زمانی
54. Endure: تحمل کردن
55. Bear: تحمل کردن
56. Tiring: خسته کننده
57. Broadcast: پخش کردن، منتشر کردن
58. Jogger: کسی که آهسته می دود
59. Plague: آسیب، بلا
60. Strain: کشش، درد کشیدن
61. Serene: آرام، ساکت
62. Midst: وسط، قلب

63. Chaos: آشفتگی، هرج و مرج
64. Trial: رنج، آزمایش
65. Incurable: غیر قابل درمان
66. Irreversible: برگشت ناپذیر
67. Literally: عیناً
68. Literally speaking: به معنای واقعی کلمه
69. Undergo: متحمل شدن
70. Worth: ارزش داشتن
71. Distinguish: تمیز دادن، تشخیص دادن
72. Involuntary: غیر ارادی، بی اختیار
73. Express: بیان کردن
74. Impaired: معیوب، خراب
75. Senile: سالمند، وابسته به پیری
76. Senile dementia: زوال عقل ناشی از پیری
77. For instance: به عنوان نمونه، برای مثال
78. Lethal: کشنده
79. Withhold: دریغ داشتن
80. Fit: مناسب
81. Prolonged: طولانی مدت
82. By contrast: در مقابل

Further reading

83. Ethics: علم اخلاق
84. Autonomy: خودمختاری، استقلال
85. Ought: باید، لازم بودن
86. Unlimited: نامحدود
87. Panel: هیئت، گروه بحث
88. Address: مورد خطاب قرار دادن، نشانه رفتن
89. Inspired: الهام گرفته، برانگیخته
90. Withdrawal: بازداشتن، توقف
91. Hasten: تسریع کردن، شتاب بخشیدن
92. Pastor: کشیش
93. Fountain: فواره، چشمه

94. Administer: تجویز کردن (دارو و غیره)
95. Inferentially: به صورت استنباطی
96. Notably: به طور خاص، مخصوصاً
97. Conversely: برعکس
98. Erode: فرسایش یافتن، خراب شدن
99. Sound: منطقی، موجه
100. So long as: تا زمانی که، به شرطی که
101. Shura: مشورت
102. Roughly: تقریباً
103. Equivalent: هم‌ارز، معادل
104. Elder: ریش سفید
105. Board of trustees: هیئت امنا
106. Grand rapids: دومین شهر بزرگ میشیگان
107. Free will: اراده آزاد
108. Act out: عملی کردن، اجرا کردن
109. Be up to someone: بستگی به ... داشتن
110. Wisdom: خرد
111. Beyond: فراتر، خارج از محدوده
112. Prior to: قبل از
113. Appointed: منصوب، گماشته
114. Prohibited: ممنوع، غیرقانونی
115. Contemplate: تأمل کردن، فکر کردن
116. Assisted: راحت شده، کمک شده
117. Frequently: مکرراً، اغلب
118. Overlook: فراموش کردن، نادیده گرفتن
119. Hereafter: زندگی پس از مرگ
120. Trials and tribulations: مشکلات و سختی‌ها
121. Prematurely: زودتر از موعد
122. Go through: پشت سر گذاشتن مراحل مختلف
123. Currently: در حال حاضر
124. Scholar: محقق، دانشمند
125. Earnestly: صادقانه، واقعاً

126. Pros and Cons: مزایا و معایب
127. Swear: قسم خوردن، سوگند خوردن
128. Oath: سوگند رسمی
129. Immoral: غیر اخلاقی
130. Regard: در نظر گرفتن
131. Liberal: روشن فکر، باز نسبت به ایده‌های جدید
132. Interfere: مداخله کردن، مانع شدن
133. Cycle of death and rebirth: چرخه مرگ و تناسخ
134. Senior: ارشد، سال‌پایین